

خلاقیت از خلق کردن و به وجود آوردن می‌آید، هر چیزی که می‌بینید توسط یک خالق به وجود آمده است، از زیبایی طبیعت گرفته تا زیبایی مصنوعی و اختراعات بشری همه و همه به وجود آمده‌اند که سرآمد همه آفرینندگان خداوند متعال است که ریزودرشت همه‌چیز منشأ از او دارد.

این مطالب را در اول صحبتیم گفتم تا به این نتیجه برسم که همه موجودات (زنده) در حد عقل و تفکر خود دارای خلاقیت می‌باشند

حیوانات خلاقیت در شکار و انسان‌ها در بی‌شمار موارد دارای خلاقیت هستند.

اما مورد بحث ما هنر و زیبایی‌شناسی می‌باشد که به‌صورت مختصر اما کاربردی و جامع به آن می‌پردازیم.

خلاقیت یعنی درگیری ذهنی با جهان اطراف، یعنی در خواب و بیداری از شیر مرغ تا جان آدمیزاد رو باهم ترکیب کنی تا به خواسته ات برسی.

اما در واقع خلاقیت درست یک هدفی را به دنبال دارد که آن ایجاد اثری مطلوب است.

هنرمندان بسیاری در اقصا نقاط جهان هر یک با سبک خاصی به این امر مشغول‌اند، یکی با سنگ یکی با چوب، دیگری با تکه‌ای کاغذ و بی‌نهایت ایده با متریاال های مختلف.



فکر کنید تکه‌ای کاغذ در دست دارید، چگونه می‌توانید با آن خلاقیت به خرج دهید؟

فکر کنید، ذهن خود را باز کنید، از افکارتان نت بردارید، نت‌ها را باهم جمع و کم یا ضرب و تقسیم کنید، چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟

خلاقیت در همه امور چند جنبه را شامل می‌شود: کیفیت، راحتی کار، جذابیت و خاص بودن و ... را به همراه دارد.

کیفیت کار را می‌توان در برندهای اتومبیل مثال زد که آپشن‌های خاص و خیره‌کننده‌شان آدمی را به وجد می‌آورد.

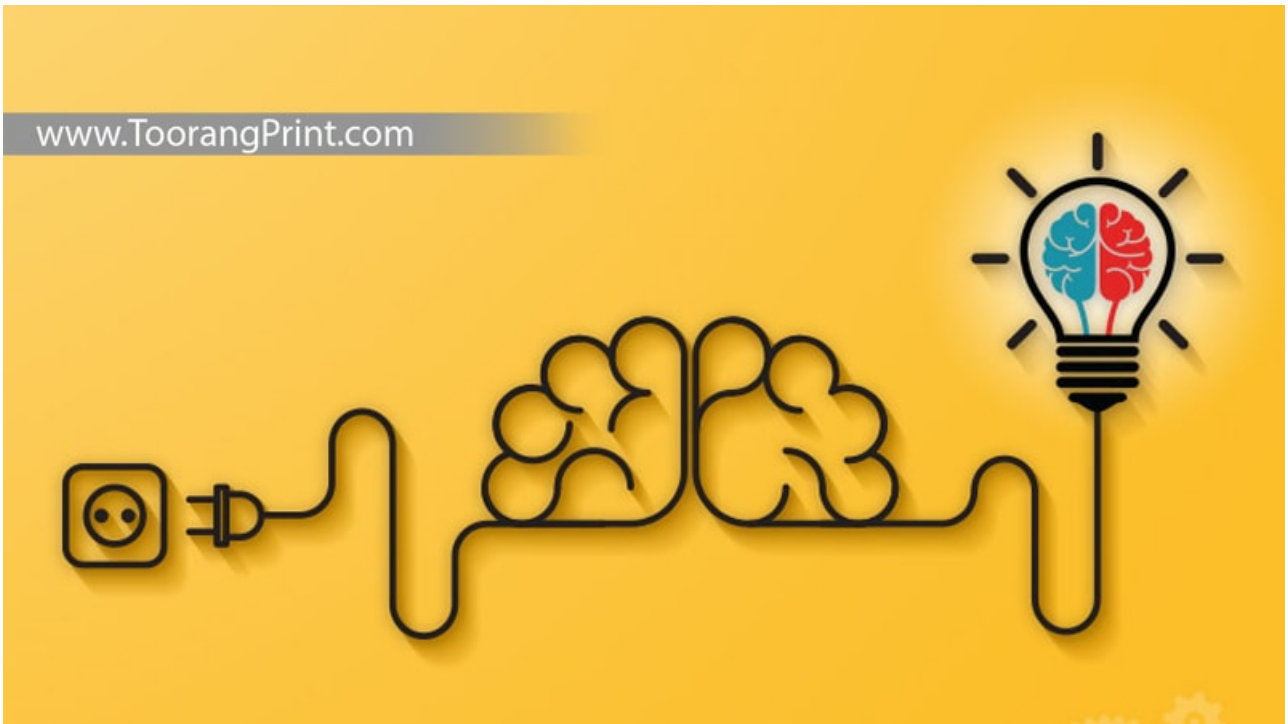
راحتی کار، مثل اینکه فردی میز کار خود را طوری طراحی می‌کند که به راحتی به کارهایش برسد، یعنی فضای کارش را با کارش هماهنگ می‌کند.

جذابیت و خاص بودن را هم می‌توان مثل آثار گرافیک محیطی که در سراسر جهان اجرا می‌گردند مثال زد که انسان را جذب و مبهوت زیبایی و خاصیت خود می‌کنند.

همه انسان‌ها خلاقیت دارند اما عمده‌ترین فرق انسان‌ها به عمل درآوردن ایده و خلاقیتشان است گویی انگار تبدیل ایده به عمل و اجرا، پرورش فکر و تخیل درونی است که با عملی شدن آن روح آدمی خستگی کار را در خود هضم می‌کند.

دیدن، دیدن و دیدن، خود کمک بسیار زیادی در پرورش دادهای ذهنی و درونی انسان می‌کند طوری که با دیدن نمونه کارهای بسیار، انسان خیلی راحت‌تر می‌تواند در تمام زمینه‌ها ایده بهتر، جذاب‌تر و منطقی‌تری بدهد.

چراکه نواقص طرح و ایده خود را در عمل دیگران می‌بیند و گام‌های اشتباهش کمتر می‌شود.



زیباترین لحظه برای یک طراح وقتی است که خلاقیت یا درگیری ذهنی‌اش در کار به ثمر می‌نشیند و دلگرمی‌اش برای کارها بیشتر می‌شود و جالب‌تر اینکه وقتی دیگران آن کار زیبا را می‌بینند تعریف و تمجیدشان هنرمند را دلگرم‌تر و راغب برای کارهای بیشتر و بهتر می‌کند.

در پایان این مبحث کوتاه می‌توانم به این نتیجه برسم که هر فردی به اندازه درکش از اطرافش خلاقیت دارد و با تمرین و تکرار می‌تواند آن را شکوفاتر کند و شکوفایی ذهنی انسان به عمل درآوردن ایده‌هایش بسته است.

فردی قدرتمند است که از افکارش و اجرای آن‌ها هراس نداشته باشد و در کارهایش گستاخ و یک‌دنده باشد.

